

اجتهاد

در عصر حاضر

محمد قاسم قاسمی

استاد دارالعلوم زاهدان

فی الاسلام» چنین می نویسد:

«وقد استطاعت الامة الاسلامية ان تواجه التقلبات التي لا تنتهي و القضايا التي لا يأتى عليها الحصر و لا يحدها قياس و اختلاف الزمان و المكان و تنوع البيئات و الصلصات و قد امكن ذلك بقوتين: القوة الاولى هي الحيوية الكامنة في وضع الاسلام نفسه و صلاحيته للحياة و الارشاد في كل بيئه و في كل محيط و في كل عهد من عهود التاريخ.

و القوة الثانية: هو ان الله قد تكفل بأن يمنح هذه الامة التي قضى ببقائها و خلودها، رجالاً احياء اقوياء في كل عصر... فلم تعدم هذه الامة في عصر من عصورها ائمة في العلم، و عماليق في الفكر لا يوجد نظيرهم في امة من الامم»^(۲).

به راستی که امت اسلامی توانسته به وسیله دو نیرو در برابر تحولات پایان ناپذیر و مشکلات بی شمار زندگی در شرایط گوناگون زمانی و مکانی ایستادگی نماید.

نیروی اول عبارت است از صلاحیت درونی و نهفته اسلام که در هیچ زمان از آن انفکاک پذیر نیست. خداوند متعال به پیامبر اسلام ﷺ چنان تعالیم کاملی عنایت فرموده است که در پرتو آن می توان در هر زمان و مکان مشکلات و معضلات را حل نمود. مطالعه قرآن مجید و مجموعه‌ی سنت نبوی روشن ترین برهان بر این مدعا است.

اما نیروی دوم عبارت است از اینکه سنت خداوند بر این جاری شده است که رادمردانی نیرومند در هر زمان پدید می فرماید که شرح، توضیح و تبلیغ تعالیم اسلام و پیامهای الهی را به عهده می گیرند و مسایل و مشکلات مختلف و پیچیده ر طبق اهداف بلند شریعت حل می نمایند. تاریخ شاهد است که هیچ عصر و زمانی از وجود چنین رجالی خالی نبوده است و

اشاره: در اواسط خردادماه ۱۳۸۰ به ابتکار و همت بلند دانشجویان دانشگاه تقریب مذاهب اسلامی، همایشی پیرامون مسأله‌ی «اجتهاد» برگزار گردید. یکی از مقالات ارایه شده در این همایش مقاله‌ی «اجتهاد در عصر حاضر» نوشته‌ی مولانا محمد قاسم قاسمی بود که مورد استقبال پرشور دانشجویان و شرکت کنندگان قرار گرفت.

با توجه به اهمیت موضوع «ندای اسلام» جهت استفاده‌ی عموم، مقاله‌ی مزبور را تقدیم خوانندگان عزیز می نماید.

اسلام آخرین پیام خدا برای مردم روی زمین است. خداوند متعال می فرماید:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا»^(۱) «امروز - احکام - دین شما را برایتان کامل کردم و - با عزت بخشیدن به شما و استوار داشتن گامهایتان - نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را بعنوان آئین خدا پسند برای شما برگزیدم».

اسلام ادعا دارد که نه تنها می تواند پایه پای زمان حرکت نماید، بلکه فراتر از این قادر است جهان را به شاهراه‌های سعادت و ترقی راهنمایی و رهبری کند.

تاریخ اسلام شاهد تحولات روز افزون و نشیب و فرازهای گوناگونی بوده و می باشد. در خیلی از اذهان این سؤال پدید می آید که اسلام چگونه توانسته با وجود این همه ناملازمات و مشکلات وجود و کیانش را در بستر زمان و مکان حفظ نموده و مرتباً به هدایت و راهنمایی حیات جامعه بشری پردازد.

امام دعوت اسلامی در قرن بیستم سید ابوالحسن ندوی رحمته الله در پاسخ به این سؤال در کتاب ارزنده اش «رجال الفكر و الدعوة

۱- سوره مائده: ۳

۲- رجال الفكر و الدعوة فی الاسلام، ج: ۱، ص: ۱۶-۱۵، ط: دار ابن

کثیر، بیروت، ۱۴۲۰ هـ ۱۹۹۹ م

بعد از قرن چهارم

تا قرن چهارم هجری اجتهاد و استنباط احکام از اصول شریعت مرتباً ادامه داشت که در نتیجه آن مذاهب فقهی متعددی پدید آمد، اما بعد از قرن چهارم به دلایلی که اینجا تفصیل آن مشکل است تقلید حالت عمومی تری به خود گرفت. شاه ولی الله دهلوی رحمته الله علیه در این خصوص چنین می فرماید:

«اعلم ان الناس كانوا قبل المائة الرابعة غير مجعین علی التقلید الخالص لمذهب واحد بعینه... و اذا وقعت لهم واقعة استفتوا فیها ای مفت وجدوا من غیر تعیین مذهب»^(۲)

«مردم قبل از قرن چهارم بر تقلید مطلق یکی از مذاهب معین اجماع نکرده بودند، بلکه هرگاه اتفاقی می افتاد یا مسئله ای پیش می آمد در خصوص آن به یکی از مفتیان مذاهب مراجعه می کردند. در آن زمان هر فقیهی مجتهد بود و بر منصب افتاء و قضا به جز مجتهد کس دیگری گمارده نمی شد. اما در ادوار بعدی تقلید مذاهب چهارگانه رواج پیدا کرد زیرا برای هر طبقه ای از امت مشکل بود که خودش به اجتهاد و استنباط پردازد چه در این صورت خیلی از حرفه ها و شغلها تعطیل می شد.»

اینجا بود که مردم بر سلف اعتماد کردند و به تقلید مذاهب تدوین شده روی آوردند، و از خیلی سردرگمی ها و نگرانی ها رهایی یافتند. خود شاه ولی الله رحمته الله علیه این واقعت را چنین بیان می کند: «ان هذه المذاهب الاربعة المدونة المحررة قد اجتمعت الامة او من يعتد بها علی جواز تقلیدها الی یومنا هذا و فی ذلك من المصالح مالا یخفی لاسیما فی هذه الایام التي قصرت فیها الهمم و اشربت النفوس الهوی و اعجب کل ذی رأی رأی برایه»^(۳)

«کل امت یا اغلب قابل اعتماد آن، اتفاق نظر دارند که تقلید ائمه اربعه جایز و درست است و به ویژه در این زمان که هواپرستی و خود رایی زیاد گشته است و همت ها خیلی پایین آمده؛ تقلید مذاهب دارای مصلحتهای بیشماری می باشد که بر هیچ کس مخفی نیست.»

مسئله مسدود بودن باب اجتهاد

امروزه در خیلی از محافل علمی این شایعه به کثرت رواج دارد که دروازه اجتهاد نزد اهل سنت مسدود است، لذا فقه

۱- رجال الفكر و الدعوة فی الاسلام، ج: ۱، ص: ۹۰، ط: دار ابن کثیر، بیروت ۱۴۲۰ هـ ۱۹۹۹ م

۲- حجة الله البالغة، ج: ۱، ص: ۱۵۳-۱۵۲، ط: پاکستان، آرام باغ

۳- حجة الله البالغة، ج: ۱، ص: ۱۵۲، ط: پاکستان کراچی آرام باغ

ان شاء الله نخواهد بود. و این خود یکی از ویژگیهای امت اسلامی است که دیگر امتها فاقد آن می باشند.

انگیزه های اجتهاد در قرون اولی

وقتی اسلام از مرزهای شبه جزیره پافراتر نهاد و کشورهای متمدن آن روز مانند شام، عراق، مصر و ایران فتح شدند و حیات اجتماعی توسعه یافت و تجارت جهانی و زندگی مدنی تسلیم اسلام گردید، مسلمانان احساس کردند که برای اداره امور و هدایت جامعه مدنی در پرتو قرآن و سنت نیاز به قانونگذاری جدیدی است که به وسیله آن بتوانند چرخ های زندگی اجتماعی را بچرخانند، این جا بود که نیاز به رادمردانی احساس شد که بتوانند از عهده این کار بزرگ بر آیند.

در همین دوران بود که خداوند متعال طبق سنت لایزالش نایب های بزرگی به جامعه اسلامی عنایت کرد که معروفترین شان: امام ابوحنیفه رحمته الله علیه (متوفی ۱۵۰ هـ) امام مالک رحمته الله علیه (م ۱۷۹) امام شافعی رحمته الله علیه (م ۲۰۴) و امام احمد رحمته الله علیه (م ۲۴۱) می باشند.

امام سید ابوالحسن علی ندوی رحمته الله علیه درباره ی نقش و اهمیت عمل این بزرگان مطلب بسیار جالبی دارد که خلاصه اش این است:

«فاذا كان العلماء الاقدمون تكاسلوا فی الاجتهاد والاستنباط فی العصور الاولى و آثروا الراحة علی العمل و الكدح، او ضعف انتاجهم و جمدت قریحتهم، التجأت الحكومة - تحت وطأة حاجات الحياة العملية و مطالبها - الی أن تقتبس النظم الرومية و الفارسية، و تطبق القانون الروماني و الايراني علی المملكة الاسلامية...»^(۱)

«چنانچه علمای گذشته در زمینه اجتهاد و استنباط در عصر اول کوتاهی می کردند و راحت و آرام را بر تلاش و جدیت ترجیح می دادند، یا اینکه دستاوردهای علمی شان ضعیف می بود و قریحه های شان دچار جمود می شد در آن صورت حکومت ها قطعاً مجبور می شدند به قوانین رومی و ایرانی پناه برند. آنگاه اسلام فقط در مساجد محصور می ماند و جاهلیت و بی دینی بازارها و مراکز حکومتی را فرا می گرفت و حالت دین اسلام همان می شد که امروز حالت مسیحیت است که بجز در کلیسا برای جهان متمدن حرفی برای گفتن و قانونی منظم برای اجرا ندارد.»

اهل سنت به دلیل مسدود بودن باب اجتهاد جو بگوری می-جامعه نیست و نمی تواند از عهده راهنمایی و حل مشکلات عصر حاضر برآید. البته این شایعه کاملاً بی اساس هم نیست زیرا در قرن چهارم وقتی دامنه ی قلمرو اسلامی وسعت یافت، بحث و مناظره های مذهبی نیز رواج پیدا کرد. مدعیان علم وقتی بزر را به نفع خود تشخیص دادند وارد میدان شدند. تعصبات مذهبی و کثرت جدال و اختلاف اندیشه ها از هر طرف مشاهده می شد. از طرفی بعضی از قاضیان بی کفایت عهده دار داور و قضاوت گشتند. اینجا بود که تعدادی از فقیهان برجسته و دولت مردان مخلص آن روز احساس کردند که مبادا عده ای از مدعیان علم دچار خود کامگی شده هواهای نفسانی خود را به نام حکم شرعی بر مردم تحمیل نمایند، لذا جهت پیش گیری از بروز اختلافات و هوای نفسانی به سد باب اجتهاد و التزام به مذاهب معین فتوا دادند. برآستی که مقتضای سیاست و شرایط آن روز هم در بعضی مناطق همین بود به عنوان لطیفه می توان گفت: سد باب اجتهاد هرگز امر منصوصی نبوده بلکه خود یک مسئله مجتهد فیه یا اجتهادی بوده است، آن هم اجتهاد بعضی از مجتهدان ضمناً توجه به این نکته خیلی مهم است که نپرداختن به اجتهاد بیشتر درباره مسایل عبادی و مدون بوده است، اما درباره مسایلی که به عرف و زمان بستگی داشته یا در آن زمان وجود نداشته و بعد به وجود آمده هیچ کس از فقیهان باب اجتهاد را مسدود تلقی ننموده است زیرا مسدود شدن باب اجتهاد در خصوص مسایل و مشکلات جدید مترادف بی پاسخ گذاشتن این گونه مسایل است که مسلماً با روح اسلام و رسالت جاودان آن سازگار نیست و سنخیت ندارد.

دیدگاه علامه سید ابوالحسن علی ندوی رحمته الله علیه در این خصوص
 امام ندوی رحمته الله علیه درباره ی انگیزه ی سد باب اجتهاد چنین می فرماید: وقتی بر اثر تهاجم مغولان و تاتارها بسیاری از منابع فکری، علمی و سیاسی دست خوش نابودی، ضعف و پژمردگی قرار گرفت و بیم آن می رفت که مبادا ادامه اجتهاد باعث گردد که حکام جور احکام دین را تابع مطامع فردی و سیاسی خود بگردانند و راه تحریف دین و انحراف دسته جمعی را هموار سازند، این جا بود که علمای اسلام (خصوصاً در مشرق زمین) فعالیت های اجتهادی را متوقف ساختند و در واقع بر اصل «دفع الضرر مقدم علی جلب المنفعة» - دفع مضرت بر جلب منفعت ارجح است - عمل نمودند. اما امروز اوضاع عوض شده است. بنابر این لازم است درب اجتهاد گشوده شود متنها شرایط آن

مراعات گردد و به جای اجتهاد فردی، اجتهاد دسته جمعی صورت گیرد و صاحب نظران و اهل تخصص در پرتو کتاب و سنت و منابع فقهی و اصولی به شور و تبادل نظر پردازند و جداً باید مواظب باشند تا مبادا توطئه ای به راه افتد یا نتایج اجتهاد به نفع جریانات سیاسی و حکومت های شخصی یا تفرقه امت اسلامی ظهور نماید که این خود یک فاجعه خواهد بود.

به همین دلیل می بینیم که علمای واجد شرایط اجتهاد از قرن چهارم به بعد نیز به اجتهاد پرداخته و در این زمینه معروف بوده اند مانند: قاضی خان حسن بن منصور اوز جندی و کمال بن الهمام (متوفی ۸۶۱) در میان احناف، چنان که علامه ابن عابدین در کتاب «رد المحتار» به صراحت می گوید:
 «الکمال بن الهمام بلغ رتبة الاجتهاد»^(۱) - کمال بن همام به رتبه اجتهاد رسیده بود.

و مانند امام غزالی و عزالدین بن سلام در میان شوافع و قاضی ابوبکر بن عربی و ابن عبدالبر در میان مالکیه و ابن تیمیه و ابن عبد الهادی و ابن رجب در میان حنابله و علمای هم طراز آنها در طول قرون و اعصار.

ضرورت اجتهاد در عصر ما

بدون تردید عصری که ما در آن زندگی می کنیم به علت تغییر و تحول روز افزون در امور زندگی و تکامل و پیشرفت سرسام آور جوامع به ویژه پس از انقلاب صنعتی و اختراعات گوناگون، احساس نیاز به اجتهاد وجود مجتهدان را نسبت به هر زمان دیگر به مراتب بیشتر کرده است و در عین حال وحدت مسلمانان و لازمه تشکیل یک حکومت جهانی اسلام نیز همین است.

در این خصوص راهنمایی جاودانه ی رسول اکرم صلی الله علیه و آله باید همواره آویزه گوش علمای دین و فقیهان هر عصر باشد. صحابه کرام از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله سؤال کردند:

«یا رسول الله ان نزل بنا امر لیس فیه بیان امر و لا نهی فما تأمرنی؟ قال تشاوروا الفقهاء العابدین و لا تمضوا فیه رای خاصة (رواه الطبرانی فی الاوسط و رجاله موثقون من اهل الصحيح)»
 «ای رسول خدا اگر مشکلی پیش بیاید که درباره ی آن نهی و امری را سراغ نداشته باشیم تکلیف ما چیست؟ آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: با فقیهان عبادت گزار مشورت نمایید و بنابه رای خاص

۱- رد المحتار، ج: ۴، ص: ۲۲۹، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۹ م ۱۹۹۸

یک فرد تصمیم نگیرید».

احکام فقهی نمایند».

با توجه به حدیث بالا معلوم می شود که برای فهم و استنباط و استفاده درست از کتاب و سنت و منابع شریعت دو شرط، خیلی اساسی و لازم است: ۱- فقیه بودن ۲- عابد بودن

دانشمند معاصر، علامه محمد تقی عثمانی - نایب رییس مجمع فقهی جهانی - در توضیح این حدیث می فرماید: «اهمیت شرط اول روشن است زیرا تنها کسی می تواند به مقصود قرآن و سنت و اصول شریعت پی ببرد که دارای علمی گسترده و عمیق بوده و بر جزئیات چنان مسلط باشد که طبیعت دین و شریعت را کاملاً درک نماید اما شرط دوم یعنی عابد بودن بدان سبب است که اگر کسی در زندگی خود حلال و حرام را رعایت نکند مسلم است که با طبیعت دین نمی تواند آشنا گردد».^(۱) در واقع استنباط احکام و شناخت حق و رسیدن به حقیقت و فهمیدن دقیق مراد خداوند متعال نوعی توفیق است که نصیب کسانی می گردد که در زندگی خویش عملاً به حق احترام بگذارند اینجاست که رب العزة می فرماید «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا»^(۲) «چنانچه شما تقوا را پیشه کنید او به شما نیروی شناخت حق و باطل را عنایت می فرماید».

مفتی اعظم پاکستان علامه مفتی محمد شفیع رحمته اللہ علیہ می فرماید: «مسائلی که حکم شرعی آن صریحاً در قرآن و سنت وجود ندارد، راه حل آنها این است که اهل فتوا و اهل تقوا با مشورت یکدیگر در خصوص آنها تصمیم بگیرند».^(۳) مسلماً تحمیل آرای شخصی و فردی بدور از انصاف خواهد بود.

هیچگاه این سخن استاد علامه محمد تقی عثمانی را از یاد نمی برم که فرمود: «اجتهاد تیغ دو لبه ای است. اگر شرایط آن رعایت شود، قطعاً مشکلات و موانع را از سر راه بر می دارد و اگر نه ریشهی دیانت و تقوا را قطع می نماید و بجای وحدت تفرقه می آفریند».

اجتهاد دسته جمعی و شورایی

از اینجاست که اغلب فقهای معاصر و متفکران اسلامی اجتهاد اجماعی یا اجتهاد گروهی و شورایی را مطرح کرده اند. دکتر یوسف قرضاوی (مدظله) می گوید: «اجتهاد در عصر ما باید بصورت یک اجتهاد گروهی باشد یعنی یک مجمع علمی تشکیل شود که در آن خبرگان فقه اسلامی و افراد با کفایت و جامع شرایط شرکت نمایند آن هم در فضائی آزاد و کاملاً بدور از تأثیرات و فشارهای اجتماعی و سیاسی اقدام به صدور

دکتر قرضاوی اضافه می کند: «اجتهادی که اکنون ما در صد بیان آن هستیم باید قبل از هر چیز متوجه مسایل جدید و مشکلات زمانه باشد و تلاش و کوشش به عمل آید که در پرتو نصوص اصیل و مقاصد عمومی و قواعد کلی شریعت نسبت به حل مشکلات و پاسخگویی به مقتضیات زمان اقدام گردد زیرا هر عصر و زمانه ای مشکلات و نیازمندیهای مخصوص به خود را دارد. همه می دانند که زمان حاضر وقایع و حوادث جدیدی را زائیده که نه فقط گذشتگان از آن نا آگاه بوده اند، بلکه به فکر و خیال آنان خطور هم نکرده است و اگر حکمی اجتهادی در کتاب های گذشته و آثار فقهای قدیم موجود باشد که به لحاظ شرایط آن دوران صادر شده؛ مسلماً زمان و مکان، عرف و عادات و حالات فعلی نیز بی تأثیر نخواهد بود».

نمونه هایی از مسایل اجتهاد طلب

این جا بنده فهرستی مختصر از بعضی مسایل جدید در زمینه معاملات را ارائه می دهم.

یکی از مسایل جدید مسئله ی اسکناس و پول های کاغذی است که در این عصر به عنوان رکن اصلی و پشتوانه معاملات تجاری قرار گرفته است و سؤالاتی از قبیل اینکه حکم این پولها چیست آیا در تمام موارد حکم پولهای فلزی را دارند؟ آیا حکم این پولها در صورت تورم مانند طلا و نقره است، اگر شخصی بیست سال پیش بدهکار بود، اکنون می خواهد بدهی خود را پرداخت کند آیا همان مبلغ قبلی را بدهد یا خیر؟

۲- همچنین موضوع انواع بیمه ها که فقهای معاصر شدیداً درباره آن اختلاف دارند و هنوز در مورد یک حکم اتفاق نظر پیدا نکرده اند.

علامه ابو زهره مصری و علمای هند اغلب انواع بیمه را حرام دانسته و از طرفی دکتر مصطفی زرقاء و گروهی دیگر آن را مجاز می دانند.

۳- پیرامون پیوند و کاشت اندام انسانی مسایل بی شماری وجود دارد. حکم وصیت اهدای اندام در حال حیات و استفاده از اجساد مسلمین جهت تشریح و کالبد شکافی در رشته های

۱- جدید فقهی مباحث، ج: ۴، ص: ۳۶، خطبه صدارت، ط: پاکستان،

ادارة القرآن

۲- سوره انفال: ۲۹

۳- معارف القرآن، ج: ۲، ص: ۲۲۰، ج: ۷، ص: ۷۰۵، ط: پاکستان اداره القرآن.

- ۶- وجود استعداد فطری به شهادت علمای متبحر و متقی زمان حاضر
- ۷- آشنایی با عرف عام و خاص
- ۸- ورع و تقوا
- ۹- احساس نیاز به درگاه خداوند متعال و کثرت دعا و استعانت از وی
- ۱۰- تأیید علمای زمان
- امام مالک می فرماید: «ما افتیت حتی شهد لی سبعون انی اهل لذلک» «تازمانی که هفتاد نفر از فقها گواهی ندادند که من صلاحیت فتوا را دارم فتوا نمی دادم»^(۲).
- به همین دلیل بسیاری از علما می فرمایند:
- «لا يجوز الافتاء لمن لم يتعلم الفقه لدى اساتذة و انما طالع الكتب الفقهية بنفسه و لا يكفي معرفة اللغة العربية بل يجب التفقه لدى استاد ماهر» «بر کسی که علم فقه را نزد اساتید ماهر فرا نگرفته و صرفاً به مطالعه کتب فقه اکتفا کرده است فتوا دادن جایز نیست! زیرا تنها دانستن زبان عربی کافی نیست، بلکه فرا گرفتن فقه نزد اساتید متخصص لازم است».
- امام شاطبی در الموافقات می فرماید:
- «من انفع طرق العلم الموصلة الى غاية التحقق به الأخذ عن اهله المتحقیين به علی الکمال و التمام»^(۳) «مفید ترین روش فراگیری علم که انسان را به نهایت تحقیق می رساند، فراگیری آن از کسانی است که خودشان به مقام کمال و تحقیق دست یافته اند».
- عدم رعایت و عدم لحاظ شرایط اجتهاد سبب شده است که بسیاری از مجتهدین معاصر دچار لغزشهای اساسی شده و در معرض انحراف قرار بگیرند و امت را به سوی گمراهی بکشند و دچار شک، اضطراب، اختلاف و تفرقه نمایند و مصداق «ضلوا فاضلوا» واقع شوند.
- دکتر قرضاوی بعضی از عوامل و موارد این لغزشها را چنین معرفی می کند:
- ۱- غفلت از نصوص
- ۲- بد فهمی متون دینی و تحریف آن از محل و جایگاه خود
- ۳- استنساخ یا شبیه سازی که واقعاً از شگفتی های قرن است که ژن یک حیوان یا انسان را طوری پرورش می دهند که عین خودش تولید می شود. حضار محترم استحضار دارند که کلیسا به حرمت آن فتوا داده است، اما از نظر علمای اسلام جای بحث وجود دارد.
- ۶- انابیب الاطفال (نوزاد لوله آزمایشگاهی) در ازمنه ی قبلی چاره ای برای باردار شدن زوجهای عقیم وجود نداشت، اما در عصر جدید این مسئله مطرح است که آیا می شود جهت باردار کردن زن از اسپرم مرد بیگانه استفاده کرد یا خیر؟
- اینها مشت نمونه خروار است بهر حال حل این گونه مسایل تنها با اجتهاد گروهی امکان پذیر است مسلماً تک رائی و شتاب زدگی درباره قضایای مهم عصر حاضر خلاف روش سلف صالح و خلاف عقل سلیم می باشد.
- متأسفانه امروزه عده ای بدون کفایت لازم صرفاً با خواندن چند کتاب دم از اجتهاد می زنند حتی بدون ضرورت درباره مسایلی که امت بدان نیاز ندارد، نظر می دهند. در صورتی که بزرگان گذشته در این باره خیلی محتاطانه عمل می کردند.
- عبدالرحمن بن ابی لیلیا می گوید: «من با ۱۲۰ نفر از انصار صحابه ملاقات کردم هر کدام دوست داشت دیگری فتوا بدهد».
- امام شعبی از بعضی از فقیهان زمان خود انتقاد کرده می گوید: «ان احدکم لیفتی فی المسئلة و لو وردت علی عمر بن الخطاب لجمع لها اهل بدر. اخرجہ البیهقی»^(۱)
- «شما درباره بعضی مسایل راحت فتوا می دهید در صورتیکه اگر چنین مسائلی در زمان حضرت عمر رضی الله عنه اتفاق می افتاد او برای حل آن تمام اصحاب بدر را جمع می کرد».
- به همین سبب عموم دانشمندان اسلامی معتقدند که اجتهاد کنندگان حتماً واجد شرایط ذیل باشند:
- ۱- معرفت و آگاهی به زبان و ادبیات عرب
- ۲- معرفت و آگاهی به قرآن کریم و سنت نبوی
- ۳- معرفت و آگاهی به علوم اصول فقه
- ۴- فهم مقاصد شارع
- ۵- آشنایی با قواعد فقهی و موارد اختلاف فقها

۱- اخرجہ البیهقی فی المدخل باب التوفی عن الفتیا، ص: ۴۴۳، رقم: ۸۰۳

۲- المصباح، ص: ۱۶۵

۳- الموافقات فی اصول الاحکام للشاطبی، ج: ۱، ص: ۵۶، ط: دارالفکر ۱۳۴۱ هـ

۳- عدم اعتنا به اجماع یقینی سلف صالح

۴- قیاس در غیر محل خود

۵- غلو و افراط در بکارگیری مصلحت، مانند مصلحت در مباح کردن ربا و انتقال نماز جمعه به روز یکشنبه به خاطر مصلحت و مساوی قرار دادن سهم دختر و پسر در میراث بر اساس مصلحت

۶- عدم فرق بین علت و حکمت.

علامه محمد تقی عثمانی نیز در این خصوص خیلی جالب می‌فرماید:

«و لکن یجب ان ینتبه ههنا لشیء مهم، و هو ان الحکم الشرعی انما یدور علی علته الشرعیة لا علی حکمته و ربما یلتبس علی بعض الناس الامر، فیظن الحکمة العلة و یزعم ان تغیر الحکمة مؤثر فی تغیر الحکم. مع ان بین العلة و الحکمة فرقا عظیماً لابد من استحضاره و هو ان العلة وصف اساسی یكون علامة لوجود الحکم و اما الحکمة فهی الفائدة التي يتوقع وصولها من العمل بالحکم و هذا مثل حرمة شرب الخمر، فان حرمة الشرب حکم، و کون المشروب خمرأ علة، و صيانة الانسان عما یذهب عقله حکمة... فلو وجد رجل لا یذهب عقله بشراب الخمر لا ینتفی حکم الحرمة فی حقه، لان العلة هو کون المشروب خمرأ باقیة»^(۱).

به همین دلیل بعضی از مجتهدان کوتاه بین زمان حاضر به حرمت شرابهای بهداشتی امروزی قایل نیستند و بعضی معتقدند اگر گوشت خنزیر تصفیه شود حکمش تغییر می‌یابد و امثال آن. آری اینجاست که با این قبیل اجتهادها دروازه‌های فتنه‌ها و انحرافات و تفرقه‌ها بر روی امت گشوده خواهد شد. شاید دکتر اقبال از همین نوع اجتهاد بر حذر داشته، آنجا که می‌فرماید:

راه آباء رو که این جمعیت است
معنای تقلید ضبط ملت است
اجتهاد اندر زمان انحطاط
قوم را بر هم همی پیچد بساط
زاجتهاد عالمان کم نظر
اقتدا بر رفتگان محفوظ تر
فکرشان رسید همی باریک تر
ورع شان با مصطفی نزدیک تر
تنگ بر ما رهگذار دین شد است
هر لثیمی رازدار دین شد است

یکی از زمینه‌های مهم اجتهاد که باید نسل جوان

به آن همت گمارد.

در پایان این گفتار را با یک پیشنهاد مهم امام ندوی رحمته اللہ علیہ خاتمه می‌دهم. علامه ندوی رحمته اللہ علیہ جوانان و اندیشمندان متعهد و مسلمان را به یکی از زمینه‌های مهم اجتهادی در عصر حاضر متوجه می‌کند و می‌فرماید:

«سخن درباره اجتهاد و ضرورت آن زیاد گفته شده است طوری که قایل بودن به اجتهاد نشانه پیشرفت و روشنفکری تلقی می‌شود. بدون تردید اجتهاد نیاز زمان بوده و از لوازم این دین است، دینی که می‌خواهد دوشادوش زندگی حرکت کرده و آنها را قیادت نماید. مخصوصاً در زمانی که تمدن، صنعت و تجارت بطرز بی سابقه‌ای پیشرفت کرده است. اما جای بسی تأسف است که منادیان اجتهاد در مسائل شرعی از متفکران گرفته تا تحصیل کرده‌های دانشگاهی در خصوص رویارویی و مواجهه صحیح با تمدن غرب از خود ابتکار و نیروی اراده‌ای نشان نمی‌دهند و حاضر نیستند با شجاعت و ایمان و زیرکی و تیز هوشی راهها و روش‌های غربی و خوب و بد آن را تحلیل نمایند. و از مواد اولیه آن تمدن نوینی هماهنگ با تعالیم اسلام و نیاز زمان و طبایع ملل مسلمان به جهانیان عرضه کنند. و برنامه‌ای ارائه کنند که با اهداف اساسی این امت اسلامی همخوانی داشته باشد و بدین طریق راه را برای ملت‌هایی که گرفتار مادیگرایی شده‌اند. روشن کنند. آری نسل جوان در زمینه تخصص خود و در خصوص آماده سازی یک نظام نوین تربیتی که بر اساس اسلام پایه ریزی شده باشد، نقش مطلوب خود را ایفا نمی‌کند. در صورتیکه این خود نوعی اجتهاد مطلوب می‌باشد، اما عادت انسان از قدیم الایام این است که همواره از وظیفه خودش شانه خالی می‌کند ولی از دیگران انتظار دارد که به وظایف شان عمل نمایند»^(۲).

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.

**

۱- المصباح، ج: ۱، ص: ۴۲، ط: پاکستان ماریه اکادمی.

۲- الاجتهاد ص: ۲۶